

The Pattern of Structural Equations in the Relation between the Tendency to Divorce with Communication Skills and the Nuclear Family Health with the Mediating Role of Marital Intimacy and Marital Conflicts

ARTICLE INFO	ABSTRACT
<p>Article Type <i>Analytical Review</i></p>	<p>Marriage is one of the oldest human bonds which improves human personality and plays a prominent role in directing human life. The present study aimed to provide a model of structural equations in the relation between the tendency to divorce with communication skills and the nuclear family health with the mediating role of marital intimacy and marital conflicts between couples in Kermanshah. The statistical population of this study was all couples in Kermanshah and the sampling method was clustering. Among the eight municipal districts, district 8 was selected and among couples 200 couples were selected as sample members. The tools used were the Kenzas Conflict Scale (1985), Walker and Thompson's Marital Intimacy (193), The Health of the Homeostat et al. (1985), Quinn Dam's Communication Skills (2001) and Rosolt's Divorce Tendency (1986). IBM AMOS 24 software was used to analyze the data. The nuclear family health through marital conflicts and marital intimacy is related to the tendency to divorce ($P < 0.05$). Communication skills through marital conflicts and marital intimacy are also associated with the tendency to divorce ($P < 0.05$) and each of the variables of marital conflicts and marital intimacy is directly related to the tendency to divorce ($P < 0.05$). Intimate and close marital relationship is based on considering the spouse in any situation. When couples increase communication skills and intimacy, and reduce the level of conflict, they will certainly experience a lower tendency to divorce.</p>
<p>Aurhors Anahita Nabiei¹ Saeedeh Sadat Hosseini² Keyvan Kakabaraie³ Hassan Amiri⁴</p>	<p>Key words: Nuclear Family Health, Communication Skills, Marital Conflicts, Marital Intimacy, Tendency to Divorce.</p>
<p>How to cite this article Anahita Nabiei, The Pattern of Structural Equations in the Relation between the Tendency to Divorce with Communication Skills and the Nuclear Family Health with the Mediating Role of Marital Intimacy and Marital Conflicts, <i>Journal of The Ministry of Health and Medical Education</i>, 2020:4 (1):9-17</p>	
<p>¹ PhD student of Educational Psychology, Kermanshah Branch, Kermanshah University, Kermanshah, Iran</p>	
<p>² Assistant Professor, Department of Psychology, Kermanshah Branch, Kermanshah University, Kermanshah, Iran</p>	
<p>³ Associate Professor, Department of Psychology, Kermanshah Branch, Kermanshah University, Kermanshah, Iran</p>	
<p>⁴ Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran</p>	
<p>* Correspondence:</p>	
<p>Address: Kermanshah Branch, Kermanshah University, Kermanshah, Iran Phone: Email: saeedeh2h@yahoo.com</p>	
<p>Article History</p>	
<p>Received: 2020/07/12</p>	
<p>Accepted: 2020/08/26</p>	

الگوی معادلات ساختاری در رابطه بین گرایش به طلاق با مهارت‌های ارتباطی و سلامت خانواده اصلی با نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی و تعارضات زوجین

آناهیتا نیبئی^۱

دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد، کرمانشاه، ایران
سعیده السادات حسینی^{۲*}

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

کیوان کاکابرایی^۳

دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

حسن امیری^۴

گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

چکیده

ازدواج از قدیمی‌ترین پیوندهای انسانی است که نمو دهنده شخصیت آدمی بوده و در جهت‌گیری زندگی انسان نقش برجسته‌ای دارد. پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی معادلات ساختاری در رابطه بین گرایش به طلاق با مهارت‌های ارتباطی و سلامت خانواده اصلی با نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی و تعارضات زوجین شهر کرمانشاه انجام شد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه زوجین شهر کرمانشاه و روش نمونه‌گیری به‌صورت خوشه‌ای بود. از بین نواحی ۸ گانه شهرداری، ناحیه ۸ انتخاب و از بین زوجین ۲۰۰ نفر به‌عنوان اعضای نمونه انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده، مقیاس‌های تعارضات کنزاس (۱۹۸۵)، صمیمیت زناشویی واکر و تامپسون (۱۹۳۳)، سلامت خانواده اصلی هاستات و همکاران (۱۹۸۵)، مهارت‌های ارتباطی کوپین دام (۲۰۰۱) و گرایش به طلاق روزولت و همکاران (۱۹۸۶) بودند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار IBM AMOS 24 استفاده شد. سلامت خانواده اصلی از طریق تعارضات زوجین و صمیمیت زناشویی با گرایش به طلاق رابطه دارد ($P < .05$). همچنین مهارت‌های ارتباطی از طریق تعارضات زوجین و صمیمیت زناشویی با گرایش به طلاق رابطه دارد ($P < .05$) و هر یک از متغیرهای تعارضات زوجین و صمیمیت زناشویی با گرایش به طلاق نیز به‌صورت مستقیم در ارتباط هستند ($P < .05$). رابطه صمیمی و نزدیک زناشویی مثبتی بر در نظر گرفتن همسر در هر شرایطی است. هنگامی که زوجین مهارت‌های ارتباطی را بالا، صمیمیت را بالا و سطح تعارض را پایین آورند، مسلماً گرایش به طلاق پایین‌تری را تجربه خواهند کرد.

کلید واژه‌ها: سلامت خانواده اصلی، مهارت‌های ارتباطی، تعارضات زناشویی، صمیمیت زناشویی، گرایش به طلاق.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۵

نویسنده مسئول: saeedeh2h@yahoo.com

مقدمه

شاید در نگاه نخست تعریف «خانواده» ساده باشد، ولی معنای این واژه از گروهی به گروه دیگر ناهمسان است و شاید در طول زمان تغییر کند^(۱) خانواده نخستین هسته اجتماع و اساسی‌ترین بنیان جوامع است که افراد هر اجتماعی در بستر آن رشد و نمو پیدا کرده، از آن طریق وارد جامعه می‌شوند. از جمله مظاهر زندگی

اجتماعی انسان، وجود تعامل سازنده میان انسان‌ها و برقرار بودن عشق به هم‌نوع و ابراز صمیمیت و همدلی به یکدیگر است.^(۲) ازدواج به‌عنوان عالی‌ترین و مهم‌ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی افراد همواره مورد توجه بوده است. صمیمیت کلید داشتن ازدواجی موفق و منبع مهمی برای شادی، احساس معنا و رضایت زناشویی به شمار می‌رود.^(۳)

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی طلاق است؛ کارشناسان بر این باورند که فرآیند طلاق در اکثر مواقع این سیر را طی می‌کند: اختلافات جزئی، تکرار اختلافات جزئی و جدی شدن آن‌ها، جدایی یا بی‌میلی یکی از زوجین به طرف مقابل، قهرهای طولانی و تکرار اختلافات جزئی و جدی شدن آن‌ها، خستگی زوجین از قهرها و درگیری‌ها، طلاق عاطفی، طلاق قانونی.^(۴) در واقع برخی ازدواج‌ها که با طلاق پایان نمی‌یابند، به ازدواج‌های توخالی تبدیل می‌شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی به‌پیش می‌روند و زمان را سپری می‌کنند.^(۵)

صمیمیت به‌عنوان توانایی ارتباط با دیگران با حفظ فردیت تعریف می‌شود. این‌گونه تعاریف مبتنی بر خویشتن، حاکی از آن است که فرد به درجه‌ای از رشد فردی دست یابد تا بتواند با دیگران رابطه صمیمانه برقرار کند. صمیمیت را می‌توان به‌عنوان توانایی «شناخت خود» در حضور دیگران دانست که خودآگاهی و رشد هویت، برای ظرفیت قابلیت شخص در جهت صمیمیت، بسیار ضروری است. مفهوم‌پردازی رایج از صمیمیت، سطح نزدیکی به همسر، به اشتراک‌گذاری ارزش‌ها و ایده‌ها، فعالیت‌های مشترک، روابط جنسی، شناخت از یکدیگر و رفتارهای عاطفی نظیر نوازش کردن است. فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کند، قادر است خود را به شیوه مطلوب‌تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل مؤثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند. رضایت زناشویی می‌تواند در زوج‌هایی که میزان صمیمیت بالاتری دارند، بیشتر باشد یا به عبارتی، زوج‌هایی که صمیمیت بالاتری دارند ممکن است که قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود، داشته باشند و در نتیجه رضایت زناشویی بالاتری را تجربه کنند.^(۶)

در این میان عوامل مختلفی مانند خانواده اصلی، شیوه حل تعارض و احساس عدالت و انصاف در روابط بین زن و شوهر بر سطح صمیمیت زناشویی مؤثر است. یکی از نظریه‌های که تأثیر خانواده‌ی اصلی را بر ازدواج فرزندان بررسی می‌کند، نظریه روابط شی است. این نظریه عنوان می‌کند که روابط شی مجموعه‌ای از فرآیندهای شناختی و عاطفی است که از عملکرد فردی در روابط با افراد نزدیکشان است. این نظریه مدعی است که مؤلفه‌های زندگی زناشویی، از طریق خانواده به‌ویژه کسانی که در رابطه نزدیک با کودک هستند، نهادینه می‌شود. در واقع پدر و مادر یا مراقبت‌کننده کودک در طول عمر باعث شکل‌گیری عملکرد فرد بر روابط بعدی و حتی درک فرد از خود می‌شود؛ علاوه بر این، روابط در دوران بزرگسالی، اغلب انعکاس تکرار مسائل مربوط به روابط گذشته است. مشکل در روابط شی ممکن است در انواع مختلف الگوهای ناکارآمد آشکار شد. این مشکل عبارت است از: شکست در برقرار کردن تعادل بین استقلال و وابستگی، ناتوانی در مدیریت تعارض، عدم اعتماد در روابط، مشکل در اعتمادبه‌نفس، عزت‌نفس پایین و عدم تحمل برای خشنودی و گرفتن پاداش و نداشتن تحمل در نزدیکی و جدایی. از این‌رو تکرار الگوهای ناکارآمد، پراکندگی هویت و ویژگی‌های ادراک از خانواده اصلی

ساختاری و جهت برازش مدل پژوهش از نرم‌افزار Amos استفاده شده است.

ابزار

مقیاس میل به طلاق روزلت و همکاران: این پرسش‌نامه اولین بار به‌وسیله روزلت، جانسون و مورو (۱۹۸۶)، طراحی شد. این پرسش‌نامه یک ابزار ۲۸ سؤالی است که برای ارزیابی زوجین مستعد و متمایل به طلاق به کار می‌رود که دارای ۴ بُعد است و هر بُعد ۷ سؤال دارد، بعد تمایل برای خارج شدن (متمایل به طلاق)، بعد تمایل به مسامحه، بعد ابراز احساسات و بعد وفاداری است. هر آیتم به‌وسیله مقیاس درجه‌بندی ۷ تایی نمره‌گذاری می‌شود (۱=هرگز، ۲=بندرت، ۳=خیلی کم، ۴=کم، ۵=زیاد، ۶=خیلی زیاد، ۷=همیشه). روزلت، جانسون و مورو در تحلیل آماری این پرسش‌نامه ضریب آلفا برای بعد خارج شدن (متمایل به طلاق) (۰/۹۱)، بعد ابراز احساسات (۰/۷۶)، بعد وفاداری (۰/۶۳) و بعد مسامحه (۰/۸۶) گزارش کردند. این پرسش‌نامه توسط (۱۰) در ایران هنجاریابی شد. میزان اعتبار آن با استفاده از شیوه آلفای کرونباخ برای کل نمونه ۰/۸۸، ۰/۸۹ برای زنان و ۰/۸۶۷ برای مردان) به دست آمد و میزان آلفای کرونباخ خرده مقیاس تمایل برای خارج شدن ۰/۸۹، ابراز احساسات ۰/۹۰، وفاداری ۰/۸۶ و مسامحه ۰/۷۲ به دست آمده است.

مقیاس مهارت‌های ارتباطی کوئین دام: این آزمون را کوئین دام در سال ۲۰۰۱ برای سنجش مهارت‌های ارتباطی در بزرگسالان ابداع کرده است و دارای ۳۴ عبارت است که مهارت‌های ارتباطی را توصیف می‌کنند. این پرسش‌نامه توسط^(۱۱) برای سنجش مهارت‌های ارتباطی زوجین به کار گرفته شد. مهارت‌های ارتباطی فرعی که در این مقیاس بررسی می‌شوند، شامل پنج مهارت گوش دادن، توانایی دریافت و ارسال پیام، بینش نسبت به فرایند ارتباط، کنترل عاطفی و ارتباط توأم با قاطعیت هستند^(۱۲). اعتبار این پرسش‌نامه در ایران در پژوهش^(۱۳) با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای نمره کل آزمون برابر ۰/۷۱ گزارش شده است. در پژوهش^(۱۳) نیز که بر روی ۱۳۱ دانشجو که شامل ۷۶ نفر مرد و ۳۵ نفر زن بودند، مقدار این ضریب برابر با ۰/۸۱ به دست آمد. همچنین، در پژوهش حاضر مقدار ۰/۸۶ برای نمره کل آزمون برای اعتبار این پرسش‌نامه به دست آمد.

مقیاس سلامت خانواده اصلی (FOS): این پرسش‌نامه یک ابزار ۴۰ سؤالی است که توسط هاوستات، اندرسون، پیرسی، کوچران و فاین در سال ۱۹۸۵ برای سنجیدن ادراک و استنباط شخص از میزان «سلامت» خانواده اصلی خویش تدوین شده است. «مقیاس خانواده اصلی» بر استقلال و صمیمیت به عنوان دو مفهوم کلیدی در حیات خانواده سالم تمرکز دارد و هر یک از این‌ها، ۵ خرده مقیاس دارند.^(۱۴) در تحقیقی پایایی مقیاس در مرحله مقدماتی ۰/۸۹ و در مرحله نهایی ۰/۹۲ و ضریب باز آزمایی پس از دو هفته ۰/۸۹ محاسبه نمود. روایی محتوایی بر اساس ارزیابی از ۳۰ نفر صاحب‌نظر صورت گرفت. روایی ملاکی این مقیاس با سطح استنباط سلامتی خانواده از نظردهندگان با روش پیرسون ۰/۶۴ و همبستگی مقیاس با سؤال (خانواده گرم و حمایت‌گر) ۰/۶۳ به دست آمد. برای محاسبه روایی سازه از تحلیل عاملی استفاده شد و همبستگی کلیه سؤال‌ها از ۰/۳ بالاتر بود و بررسی عوامل سازنده دو مؤلفه اصلی استقلال و صمیمیت نام‌گذاری شدند، ولی زیر مقیاس‌های این دو مؤلفه همپوشانی زیادی با هم داشتند و تأیید نشدند. بر طبق یافته‌ها، این ابزار برای سطح سلامت خانواده اصلی دانشجوین مقیاس مناسبی است.^(۱۴)

می‌تواند در روابط دوران بزرگسالی آسیب وارد کند.^(۷) طبق رویکرد رشدی فرامن، افراد بزرگسال در روابط رمانتیک آن چیزی را تعمیم می‌دهند که از قبل در روابطشان با والدین و نزدیکانشان آموخته‌اند. در واقع ویژگی‌های روابط رمانتیک شبیه رابطه فرد با والدین و نزدیکانشان می‌باشد. به این صورت که تجربه‌ی الگوهای کارآمد و برقراری روابط صمیمی و تعهد در دوران کودکی و نوجوانی باعث انتقال این تجربه‌های مثبت در روابط عاشقانه است و برعکس^(۸). از چشم‌انداز نظریه چند نسلی بوئن، ساختار خانواده اصلی به‌عنوان میراثی در طول زندگی بعدی افراد؛ یعنی روابط زناشویی تأثیرگذار است. تحقیق^(۹) نشان داد که، مفاهیم درک شده افراد از خانواده اصلی پیش‌بینی‌کننده الگوی دل‌بستگی عاشقانه است. تاکنون پژوهش‌های زیادی در زمینه پژوهش حاضر انجام شده است.

طلاق همواره یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل پیش روی جوامع بشری بوده است. چرا که آثار مستقیم و غیر مستقیم آن نه تنها بر تعادل روانی زوجین، فرزندان و ... بر جای می‌ماند؛ بلکه آثار منفی آن بر نظام اقتصادی و نظام فرهنگی غیر قابل انکار است؛ بنابراین شناخت علل و عوامل و جنبه‌های مختلف آن و آثاری که بر فرد و جامعه بر جای می‌گذارد، بسیار حائز اهمیت است. طلاق به‌عنوان پدیده‌ای که باعث جدایی میان دو نفر می‌شود، امری مشترک در همه جوامع است؛ اما شناخت آن از پیچیدگی‌های بسیار برخوردار است و همین پیچیدگی‌ها، مطالعه آن را دشوار ساخته است. از آنجا که ارتباط زن و شوهر غنی‌ترین و چندبعدی‌ترین ارتباط انسانی است، شناخت و درک علل واقعی طلاق، نیازمند ابزاری بس دقیق و پیچیده است. با توجه به اینکه، طلاق یکی از اثرگذارترین پدیده‌های اجتماعی برای خانواده و جامعه است، مطالعه در این باب از دیدگاه روان‌شناختی و سایر علوم مرتبط از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در پژوهش حاضر به دنبال جواب این سؤال هستیم که آیا می‌توان الگوی معادلات ساختاری در رابطه بین گرایش به طلاق با مهارت‌های ارتباطی و سلامت خانواده اصلی با نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی و تعارضات زوجین یافت؛ این الگو کدام است؟

روش

پژوهش حاضر، از نظر هدف کاربردی می‌باشد و به روش همبستگی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه زوجین شهر کرمانشاه و روش نمونه‌گیری به‌صورت خوشه‌ای تصادفی بود. به این صورت که از بین نواحی ۸ گانه شهرداری شهر کرمانشاه یک ناحیه به‌صورت تصادفی انتخاب گردید و از بین افراد مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و سایر افراد ساکن در این ناحیه تعداد ۲۰۰ نفر انتخاب شدند. در بخش تحقیقات میدانی با استفاده از پرسش‌نامه‌های ذیل نمونه آماری مورد بررسی و در نهایت نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌ها با نرم‌افزار IBM AMOS 24 تجزیه و تحلیل شد. در رابطه با ملاحظات اخلاقی، پژوهش برای افراد شرح داده شد و آن‌ها فرم رضایت از شرکت در پژوهش را امضا نمودند. از دیگر ملاحظات اخلاقی مطرح در این پژوهش اصل رازداری اطلاعات افراد شرکت‌کننده بود. در این پژوهش از آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد و ...) و آمار استنباطی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون کلموگروف-اسمیرنوف با استفاده از نرم‌افزار IBM AMOS 24 استفاده شد و همچنین جهت معنی‌دار بودن مدل مفهومی پژوهش از مدل معادلات

شده بودند مورد بررسی قرار گرفت. پایایی KMCS از همسانی درونی مطلوبی برخوردار است. برای مردان دامنه آلفا بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۵ و برای زنان بین ۰/۸۸ تا ۰/۹۵ است و پایایی این مقیاس در این پژوهش با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ بوده است.

یافته‌ها

این پژوهش، بر روی ۲۰۰ نفر انجام شده است. یافته‌های توصیفی این پژوهش بر اساس آماره‌های توصیفی نشان داد که در بین مهارت‌های ارتباطی، قاطعیت با مقدار ۲۶/۷۷ بیشترین و گوش دادن با مقدار ۲۲/۶۱ کمترین میانگین را در بین مهارت‌های ارتباطی دارند. همچنین، برای متغیر سلامت خانواده اصلی برای دو بعد استقلال و صمیمیت به ترتیب میانگین، برابر ۷۰/۶۰ و ۸۴/۳۲ می‌باشد. همچنین برای متغیرهای صمیمیت زناشویی و تعارضات زوجین میانگین، به ترتیب برابر ۶۵/۳۱ و ۸۹/۹۹ می‌باشد. برای متغیر گرایش به طلاق، برای زیر مقیاس‌های تمایل برای خارج شدن، تمایل به مسامحه، ابراز احساسات و وفاداری به ترتیب برابر ۲۳/۰۷، ۱۶/۹۲، ۱۴/۶۲ و ۲۵/۳۳ می‌باشد. همچنین در این جدول نرمال بودن داده‌های متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف بررسی شده است. مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری این آزمون برای متغیرها بزرگ‌تر از ۰/۰۵ بوده لذا نتیجه می‌شود که داده‌های این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد نرمال می‌باشند. همچنین، از بین ۲۰۰ نفر که به سؤالات پاسخ داده‌اند ۸۶ نفر (۴۳ درصد) مرد و ۱۱۴ (۵۷ درصد) نفر زن بوده‌اند. تعداد ۳ نفر در مقطع دیپلم (۱/۵ درصد)، تعداد ۲۱ نفر در مقطع کاردانی (۱۰/۵ درصد)، تعداد ۷۷ نفر در مقطع کارشناسی (۳۸/۵ درصد)، تعداد ۸۹ نفر در مقطع کارشناسی انمو (۴۴/۵ درصد) و همچنین تعداد ۱۰ نفر (۵ درصد) در مقطع دکتری قرار دارند. از بین اعضای نمونه ۲۳ نفر (۱۱/۵ درصد) بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۹۲ نفر (۴۶ درصد) بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۷۴ نفر (۳۷ درصد) بین ۴۱ تا ۵۰ سال و ۱۱ نفر (۵/۵ درصد) بالاتر از ۵۰ سال سن دارند. پیش‌فرض، همبستگی میان متغیرهای پژوهش، برای انجام مدل معادلات ساختاری نیز بررسی گردید که نتایج آن به شرح جدول ۱ می‌باشد.

مقیاس صمیمیت زناشویی تامپسون و والکر (MIS): مقیاس صمیمیت زناشویی یک ابزار ۱۷ سؤالی است که برای سنجیدن مهر و صمیمیت تنظیم شده است. این پرسش‌نامه توسط اعتمادی برای تعیین میزان اعتبار مورد ارزیابی قرار گرفت. این مقیاس توسط (۱۵) ترجمه شد. برای تعیین روایی محتوی و صوری ابتدا پرسش‌نامه توسط ۱۵ نفر از اساتید مشاوره و ۱۵ نفر زوج بررسی شده و روایی صوری و محتوایی آن تأیید شد (۱۶) همچنین (۱۷) در پایان‌نامه کارشناسی خود از طریق اجرای هم‌زمان با پرسش‌نامه باگاروزی و برآورد ضریب همبستگی آن‌ها ۸۲ درصد محاسبه کرده است و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار بود که نشان‌دهنده روایی ملاکی برای این مقیاس است. اعتمادی در پایان‌نامه دکتری روی ۱۰۰ زن و شوهر در اصفهان که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند اجرا کرد. ضریب پایایی کل مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۶ به دست آمد و حاکی از پایایی قابل قبول پرسش‌نامه بود. (۱۷) نیز پایایی کل را ۰/۸۵ به دست آورد. نمره آزمودنی در این پرسش‌نامه از طریق جمع نمرات سؤالات و تقسیم آن بر عدد ۱۷ حاصل می‌شود. دامنه نمرات بین ۱ تا ۷ است که نمره بالاتر نشانه صمیمیت بیشتر است. قبل از اجرای پژوهش، این پرسش‌نامه توسط پژوهش‌گر به مدت دو هفته به ۳۰ زن و شوهر برای تعیین پایایی ارائه شد. پایایی این پرسش‌نامه توسط پژوهش‌گر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد.

مقیاس تعارض زناشویی کنزاس (KMCS): مقیاس تعارض زناشویی کنزاس در سال ۱۹۸۵ توسط موگسلی، اگمن و آرچم به‌منظور سنجش میزان تعارضات زناشویی ساخته شد. KMCS مقیاسی سه قسمتی است که برای سنجش مراحل تعارض زناشویی طرح شده است. مرحله اول ۱۱ عبارت، مرحله دوم ۵ عبارت و مرحله سوم ۱۱ عبارت دارد که روی هم شامل ۲۷ عبارت است. مقیاس بر پایه تحقیقات مشاهده‌ای است که نشان می‌دهد زوج‌های مضطرب و غیر مضطرب در سه مرحله تعارض زناشویی متفاوت هستند که شامل برنامه‌سازی، بحث و مجادله و مذاکره است. هر آیم توسط مقیاس درجه‌بندی ۵ تایی نمره‌گذاری می‌شود (۱=هرگز، ۲=به ندرت، ۳=گاهی اوقات، ۴=اغلب، ۵=تقریباً همیشه). این پرسش‌نامه در ابتدا روی ۱۰ زوج که عمدتاً سفیدپوست بوده و در طرح غنی‌سازی ازدواج در کنزاس داوطلب

جدول ۱. محاسبه همبستگی بین متغیرهای پژوهش

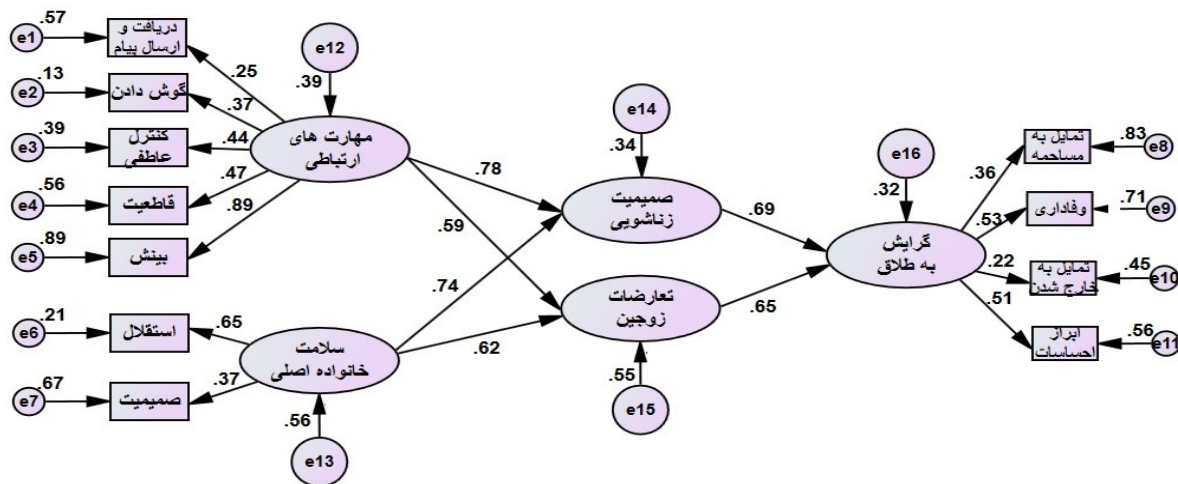
متغیرهای	گرایش به طلاق	صمیمیت زناشویی	تعارضات زناشویی	مهارت‌های ارتباطی	سلامت خانواده اصلی
گرایش به طلاق	۱				
صمیمیت زناشویی	-۰/۵۴۲ Sig = .۰۰۰	۱			
تعارضات زناشویی	۰/۶۳۱ Sig = .۰۰۰	-۰/۵۷۸ Sig = .۰۰۰	۱		
مهارت‌های ارتباطی	-۰/۶۰۳ Sig = .۰۰۰	۰/۵۶۹ Sig = .۰۰۰	-۰/۶۲۸ Sig = .۰۰۰	۱	
سلامت خانواده اصلی	-۰/۵۵۹ Sig = .۰۰۰	۰/۵۷۳ Sig = .۰۰۰	-۰/۶۱۱ Sig = .۰۰۰	۰/۵۹۸ Sig = .۰۰۰	۱

در این پژوهش، به‌منظور دستیابی به مدل تحقیق از شیوه مدل‌یابی معادلات ساختاری که مبتنی بر روابط علی بین متغیرهاست استفاده می‌شود. مهم‌ترین ویژگی این تکنیک در انعطاف‌پذیری آن از لحاظ کاربرد به عنوان یک چارچوب نظری وسیع، امکان مشارکت متغیرهای

با توجه به جدول فوق همبستگی بین کلیه متغیرهای پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید شد. به دلیل اینکه سطح معناداری مربوط به روابط برابر کلیه متغیرها کمتر از میزان ۰/۰۵ می‌باشد لذا می‌توان گفت بین کلیه متغیر همبستگی معناداری وجود دارد.

تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری و به کمک نرم‌افزار AMOS 24 فرضیه‌های تحقیق مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

مکنون، کاربرد اندازه‌های چندگانه، امکان دادن به خطا، انطباق فرض‌های توزیعی و قابلیت کار با انواع داده‌هاست. به‌طور کلی با



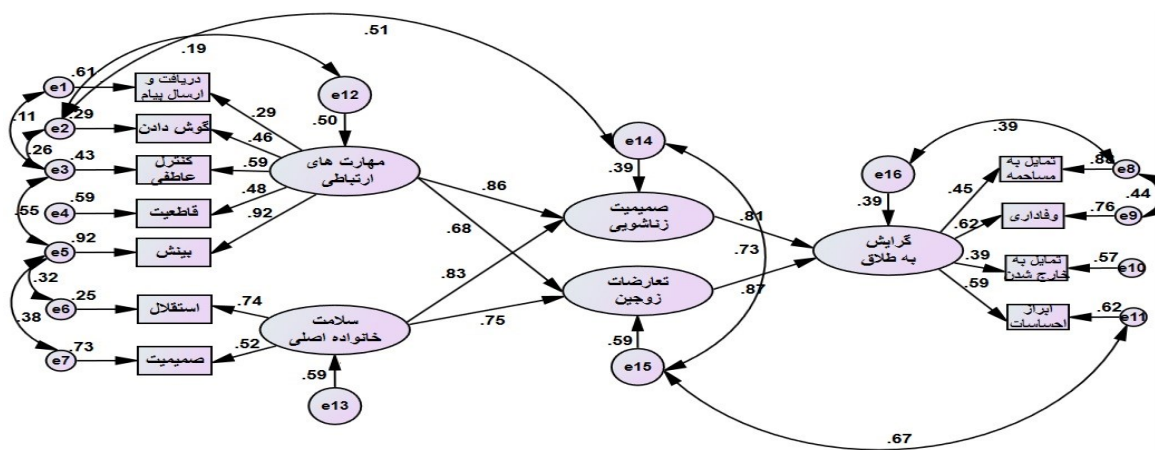
شکل ۱. مدل ساختاری تحقیق با ضرایب استاندارد

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل کل

PCFI	PNFI	PRATIO	RFI	IFI	CFI	NFI	RMSEA	X2/df	مدل کلی
> .۵۰	> .۵۰	> .۵۰	> .۹	> .۹	> .۹	> .۹	< .۰۵	< ۳	میزان قابل قبول
۰/۱۷۵	۰/۱۷۷	۰/۷۱۴	۰/۰۵۴	۰/۲۵۴	۰/۲۵۴	۰/۲۴۷	۰/۴۷۴	۱۶/۱۱۹	مقادیر محاسبه شده

است؛ اما شاخص‌های مقتصد (اقتصادی بودن) همه بالاتر از ۵۰ درصد بوده و مناسب هستند؛ بنابراین نیاز به اصلاحاتی در مدل می‌باشد.

نسبت کای اسکور مدل ساختاری به درجه آزادی برابر ۱۶/۱۱۹ و نامناسب است. شاخص‌های برازش تطبیقی همگی پایین‌تر از ۹۰ درصد و نامناسب هستند. شاخص RMSEA بالاتر از ۵ درصد و نامناسب



شکل ۲. مدل اصلاحی پژوهش با ضرایب استاندارد

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل کل

PCFI	PNFI	PRATIO	RFI	IFI	CFI	NFI	RMSEA	X2/df	مدل کلی
>۰/۵۰	>۰/۵۰	>۰/۵۰	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	<۰/۰۵	<۲	میزان قابل قبول
۰/۶۷۵	۰/۶۷۴	۰/۶۷۹	۰/۹۴۵	۰/۹۷۹	۰/۹۵۹	۰/۹۷۲	۰/۰۲۹	۱/۸۴۷	مقادیر محاسبه شده

صفر مبنی بر عدم ارتباط بین این متغیرها رد و فرض خلاف صفر، مبنی بر وجود مدل علی در ارتباط بین متغیرها پذیرفته می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف، ارائه الگوی معادلات ساختاری در رابطه بین گرایش به طلاق با مهارت‌های ارتباطی و سلامت خانواده اصلی با نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی و تعارضات زوجین انجام شد. نتایج حاصل از مدل معادلات ساختاری و روابط ساختاری بین متغیرها نشان داد که بین مهارت‌های ارتباطی با گرایش به طلاق از طریق نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی در زوجین رابطه وجود دارد. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج حاصل از پژوهش‌های (۱۸)، (۱۹)، (۲۰)، (۲۱)، (۲۲)، (۲۳) هم سو و هم‌راستا می‌باشد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که خانواده نخستین هسته اجتماع و اساسی‌ترین بنیان جوامع است که افراد هر اجتماعی در بستر آن نمو و نمو پیدا کرده، از آن طریق وارد جامعه می‌شوند. از جمله مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل سازنده میان انسان‌ها و برقرار بودن، عشق به هم‌نوع و ابراز صمیمیت و همدلی به یکدیگر است. صمیمیت کلید داشتن ازدواجی موفق و منبع مهمی برای شادی، احساس معنا و رضایت زناشویی به شمار می‌رود. از سوی دیر، ارتباط را به‌صورت پیامی که به شکل ارادی توسط فرد فرستنده فرستاده می‌شود و متقابلاً به شکل ارادی توسط گیرنده پیام درک می‌شود، تعریف می‌کنند. بهترین شکل ارتباط، در میان اعضای خانواده شکل می‌گیرد. ارتباط زناشویی هم عبارت است از فرآیند تبادل اطلاعات به‌طور کلامی و غیرکلامی بین زوجین که شامل مهارت‌هایی برای تبادل الگوهای اطلاعات درون سیستم زناشویی است. مهارت‌های ارتباطی به‌منزله آن دسته از مهارت‌ها افرادی هستند که به‌واسطه آن‌ها افراد می‌توانند درگیر تعامل‌های بین فردی و فرآیند ارتباط شوند، فرآیندی که افراد در طی آن، اطلاعات، افکار و احساسات خود را از طریق مبادله کلامی و غیرکلامی با یکدیگر در میان می‌گذارند؛ بنابراین می‌توان گفت که مهارت‌های ارتباطی از طریق ایجاد صمیمیت در زوجین بر ارتباط آن‌ها و طلاق تأثیرگذار است. با توجه به این نکات می‌توان نتیجه گرفت که بین مهارت‌های ارتباطی با گرایش به طلاق از طریق نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی در زوجین رابطه وجود دارد.

همچنین، نتایج حاصل از مدل معادلات ساختاری و روابط ساختاری بین متغیرها نشان داد که بین مهارت‌های ارتباطی با گرایش به طلاق از طریق نقش واسطه‌ای تعارضات زوجین در زوجین رابطه وجود دارد. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج حاصل از پژوهش‌های (۱۹)، (۲۰)، (۲۱)، (۲۲)، (۲۳) هم سو و هم‌راستا می‌باشد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که در تبیین این نتایج می‌توان گفت که تعارض در روابط وقتی بروز می‌کند که رفتار یک شخص با توقعات شخص دیگر جور در نیاید. یکی از مشکلات شایع در خانواده، تعارض زناشویی است. تعارض در روابط صمیمی امری طبیعی است و ازدواج از این قاعده مستثنی نیست زیرا تعاملات مکرر و مختلف زوجین زمینه‌های بی‌شماری را برای تعارض فراهم می‌کند. فروید منبع تعارض بین فردی را به تعارض انرژی‌های درون روانی که ناشی از مسائل حل نشده در کودکی بود، نسبت می‌داد. دیدگاه عقلانی-عاطفی- رفتاری مدعی است که دلیل تعاملات زناشویی آشفته توقعات غیر واقع‌بینانه‌ای است که زن و شوهر نه صرفاً در مورد

مقدار NFI یا شاخص برازش هنجار شده بنتل-بونت به دست آمده مقدار ۰/۹۷۲ می‌باشد که با توجه به مقدار استاندارد ۰/۹ که حد مطلوب این شاخص می‌باشد، مدل با توجه به این شاخص از برازش مطلوبی برخوردار است. مقدار RFI یا شاخص برازش نسبی به دست آمده مقدار ۰/۹۴۵ می‌باشد که این شاخص به برازش مطلوب مدل اشاره دارد. مقدار IFI یا شاخص برازش افزایشی به دست آمده مقدار ۰/۹۷۹ می‌باشد که این شاخص به برازش مطلوب مدل اشاره دارد. مقدار CFI یا شاخص برازش تطبیقی به دست آمده مقدار ۰/۹۵۹ می‌باشد که این شاخص به برازش مطلوب مدل اشاره دارد. مقدار RMSEA یا ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد به دست آمده مقدار ۰/۰۲۹ می‌باشد که با توجه به مقدار استاندارد کمتر از ۰/۰۵، مطلوب می‌باشد. مقدار PNFI یا شاخص هنجار شده مقتصد برابر ۰/۶۷۴ و بالاتر از ۰/۵ و نشان از وضعیت مطلوب مدل دارد. مقدار PCFI یا شاخص برازش تطبیقی مقتصد برابر ۰/۶۷۵ و بالاتر از ۰/۵ و نشان از وضعیت مطلوب مدل دارد. مقدار PRATIO یا نسبت مقتصد بودن برابر ۰/۶۷۹ و بیشتر از ۰/۵ و نشان از وضعیت مطلوب مدل دارد. لذا در کل با توجه به همه شاخص‌ها می‌توان گفت مدل از برازش مناسبی برخوردار است. در نتیجه اصلاح اکثر شاخص‌ها بهبود یافتند؛ بنابراین نتایج با توجه به مدل برازش یافته و انجام آزمون سوایل برای برخی روابط نشان داد: رابطه غیرمستقیم مهارت‌های ارتباطی با گرایش به طلاق از طریق صمیمیت زناشویی برابر ۰/۸۴ بوده که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنی‌دار می‌باشد، لذا فرض صفر رد و فرض پژوهش مبنی بر رابطه معنی‌دار مهارت‌های ارتباطی با گرایش به طلاق از طریق صمیمیت زناشویی پذیرفته می‌شود. رابطه غیرمستقیم مهارت‌های ارتباطی با گرایش به طلاق از طریق تعارضات زوجین برابر ۰/۵۹ بوده که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنی‌دار می‌باشد، لذا فرض صفر رد و فرض پژوهش مبنی بر رابطه معنی‌دار مهارت‌های ارتباطی با گرایش به طلاق از طریق تعارضات زوجین برابر ۰/۸۴ بوده که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنی‌دار می‌باشد، لذا فرض صفر رد و فرض پژوهش مبنی بر رابطه معنی‌دار مهارت‌های ارتباطی با گرایش به طلاق از طریق صمیمیت زناشویی پذیرفته می‌شود. رابطه غیرمستقیم سلامت خانواده اصلی با گرایش به طلاق از طریق صمیمیت زناشویی برابر ۰/۶۸ بوده که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنی‌دار می‌باشد، لذا فرض صفر رد و فرض پژوهش مبنی بر رابطه معنی‌دار سلامت خانواده اصلی با گرایش به طلاق از طریق صمیمیت زناشویی پذیرفته می‌شود. رابطه غیرمستقیم سلامت خانواده اصلی با گرایش به طلاق از طریق تعارضات زوجین برابر ۰/۶۶ بوده که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنی‌دار می‌باشد، لذا فرض صفر رد و فرض پژوهش مبنی بر رابطه معنی‌دار سلامت خانواده اصلی با گرایش به طلاق از طریق تعارضات زوجین پذیرفته می‌شود. سایر نتایج نشان داد که رابطه مستقیم صمیمیت زناشویی با گرایش به طلاق برابر ۰/۸۱ بوده که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنی‌دار می‌باشد، لذا فرض صفر رد و فرض پژوهش مبنی بر رابطه معنی‌دار صمیمیت زناشویی با گرایش به طلاق پذیرفته می‌شود. رابطه مستقیم تعارضات زوجین با گرایش به طلاق برابر ۰/۸۷ بوده که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنی‌دار می‌باشد، لذا فرض صفر رد و فرض پژوهش مبنی بر رابطه معنی‌دار تعارضات زوجین با گرایش به طلاق پذیرفته می‌شود. این تأثیر به‌صورت مثبت و معنی‌دار می‌باشد. با توجه به مدل ساختاری پژوهش مشاهده می‌شود که مدل علی ارائه شده برای این پژوهش، در برازش شاخص‌ها به‌صورت معنی‌دار می‌باشد، بنابراین فرض

طلاق از طریق نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی در زوجین رابطه وجود دارد.

همچنین، نتایج حاصل از مدل معادلات ساختاری و روابط ساختاری بین متغیرها نشان داد که بین سلامت خانواده اصلی با گرایش به طلاق از طریق نقش واسطه‌ای تعارضات زوجین در زوجین رابطه وجود دارد. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج حاصل از پژوهش‌های جهانی (۲۰)، (۱۹)، (۲۱)، (۲۲)، (۲۳)، (۲۴) هم سو و هم‌راستا می‌باشد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان

گفت که تجارب بالینی، نشان می‌دهد که بیشترین موضوع مشاجرات زن و شوهران ایرانی را چگونگی رابطه‌ی آن‌ها با خویشاوندان و یا خانواده‌های اصلی آن‌ها تشکیل می‌دهد. مشکل در اعمال نفوذ یا دخالت خانواده‌های اصلی، در رابطه‌ی زناشویی فرزندان خود و در تصاحب تربیت فرزندان و نوادگان خویش است. نظریه‌ی چند نسلی بوین، عنوان می‌کند که افراد، زیربنای رابطه‌ی بین فردی را در خانواده‌ی اصلی‌شان یاد می‌گیرند و مشکلات خانوادگی و زناشویی زوج‌ها ادامه‌ی مشکلات رابطه‌ی موجود در خانواده‌ی اصلی آن‌ها است. مشکلات ناشی شده از خانواده‌ی اصلی مانند تعارضات بین فردی، به معنای متفاوت و شدت بیشتر در روابط برون خانوادگی تسلی می‌یابند و حتی اگر افراد از نظر مکانی از خانواده‌ی اصلی خود فاصله داشته باشند، باورها، باخوردوها، رفتارها، عزت‌نفس و الگوهای تعاملی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین، این یافته بیانگر آن است که هر چه محیط خانوادگی اصلی برای ایجاد ارتباطات باز و گسترده، ترغیب فرزندان برای ابراز احساسات و عقاید، توجه به عقاید و شرکت دادن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها مهیاتر باشد، به فرزندان برای حل تعارض به شیوه‌ی سازنده و صمیمیت بیشتر کمک خواهد کرد. درگیری و تعارض در روابط زن و شوهر به خاطر تصمیم‌گیری‌های مشترکی که اتخاذ می‌کنند امری طبیعی است.

نتایج حاصل از مدل معادلات ساختاری و روابط ساختاری بین متغیرها نشان داد که بین تعارضات زوجین با گرایش به طلاق در زوجین شهر رابطه وجود دارد. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج حاصل از پژوهش‌های (۱۹)، (۲۰)، (۲۱)، (۲۲)، (۲۳)، (۲۴)، (۲۵) هم سو و هم‌راستا می‌باشد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت شاید بتوان نقطه‌ی شروع این تحولات را تغییر خانواده از شکل گسترده به خانواده‌ی هسته‌ای جستجو کرد. همین تغییر در شکل و کارکردهای خانواده آثار عمیقی بر نقش‌ها و وظایف اعضا، به‌ویژه زن و شوهر، بر جای گذاشته است. به عبارت روشن‌تر، ازدواج سنتی که پیوند میان زن و مرد بر اساس نقش‌های ثابت (مرد نان‌آور زن - خانه‌دار) بود، در طول چند نسل دچار تغییر شده و امروزه بیشتر بر اساس توافق و گفت‌وگوی اعضا تعریف می‌شود. شناخت خود و هویت خود در جامعه‌ی مدرن به‌صورت پروژه‌ای بازانديشانه درآمده و دیگر زن و مرد بودن از نظر هویت و وظایفی که ایجاب می‌کند، معنای روشن و مشخصی ندارد. نتایج، تفاوت بازخوردی معنادار زنان و مردان را به‌ویژه در دو حوزه‌ی نقش‌های زناشویی و مرز روابط زوجین با دیگران نشان می‌دهد. در خصوص نقش‌های زناشویی، شاهد نوعی تغییر بازخوردی در زنان به سمت تساوی نقش در خانواده هستیم که این تغییر تا حدود زیادی با تغییرات ایجادشده در وضعیت کلی زنان در جامعه‌ی امروز ایران، به‌ویژه پررنگ شدن حضور آنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی خارج از خانه، قابل توجه است اما نکته‌ی قابل‌توجه در اینجا روند نامتوازن این تغییرات میان دو جنس است. با توجه به این نکات می‌توانیم نتیجه بگیریم که بین تعارضات زوجین با گرایش به طلاق در زوجین شهر رابطه وجود دارد.

با توجه به پیچیدگی‌های انسان و ناتوانی پژوهشگران در کنترل دقیق و کامل تمامی اعمال و حرکات و تأثیرپذیری انسان از محرک‌های گوناگون پژوهش حاضر نیز همچون دیگر پژوهش‌ها که موضوع

خود یا دیگران بلکه درباره خود رابطه زناشویی دارند. مشکلات ارتباط فعلی افراد را بازتاب مسائل خانواده اصلی آن‌ها می‌داند. به اعتقاد او ما نمی‌توانیم همسرمان را واضح و شفاف ببینیم و تصاویری را بر او فراق‌کنی می‌کنیم؛ بنابراین، تعامل بین این فراق‌کنی‌های متقابل موجب مشکلات زوج‌ها می‌شود؛ زیرا زن و شوهر در مورد مسائل واقعی خود بحث نمی‌کنند، بلکه در مورد فراق‌کنی‌ها و تصاویر ذهنی مرتبط با روابط قبلی به بحث می‌پردازد. از دید سیستمی، اکثر زوج‌ها به این دلیل دچار تعارض می‌شوند که هر کدام سعی می‌کند دیگری را وادار به تغییر کند. برخی از صاحب‌نظران تبادل‌های رفتاری زناشویی و یا عوامل رابطه‌ای نظیر مهارت‌ها را کانون مداخله خود قرار داده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت که یک شیوه مطمئن برای کمک به کاهش تعارض زوج‌های در حال طلاق هدایت آن‌ها به سمت آموختن مهارت‌های ارتباط همسران است. با توجه به این نکات می‌توان نتیجه گرفت که بین مهارت‌های ارتباطی با گرایش به طلاق از طریق نقش واسطه‌ای تعارضات زوجین در زوجین رابطه وجود دارد.

سایر نتایج نشان داد که بین سلامت خانواده اصلی با گرایش به طلاق از طریق نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی در زوجین رابطه وجود دارد. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج حاصل از پژوهش‌های (۲۲)، (۲۳)، (۲۴)، (۲۵) هم سو و هم‌راستا می‌باشد.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت که نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کم شدن میزان رضایت زناشویی عوارضی نظیر اشکال در روابط اجتماعی، احساس تنهایی بیشتر، کم شدن میزان رضایت از زندگی و در نهایت اختلاف شدید خانوادگی و پیدایش کودکان و نوجوانان ناسازگار به دنبال دارد. رضایتمندی زناشویی فرایندی است که در طول زندگی زوجین به وجود می‌آید و لازمه آن انطباق سلیقه‌ها، شناخت ویژگی‌های شخصیتی، ایجاد قواعد رفتاری و شکل‌گیری الگوهای مرادده‌ای است. برقراری ارتباط مؤثر با طرف مقابل، عدم عصبانیت، حفظ استقلال فردی زن و مرد ضمن مشارکت با هم، ارزش قائل شدن برای خواسته‌ها و علایق همسر، همراهی و همدلی، داشتن اهداف و آرمان مشترک، قبول سختی‌ها و آمادگی برای مواجهه با مشکلات زندگی و کنار هم بودن در روزهای خوشی و سختی و تأکید و توجه بر نکات مثبت شخصیت همسر، ابراز دوستی و اهمیت دادن به یکدیگر از عوامل در استمرار زندگی مشترک و از جمله مشخصه‌های رضایت زن و مرد است. در مقابل زن و مردی که از داشتن، یک ارتباط صحیح با یکدیگر و دیگر افراد خانواده محروم هستند و دچار نارضایتی هستند، دارای نشانه‌های رفتاری ویژه‌ای می‌باشند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: یاس، نومیدی و درماندگی زن یا شوهر، وجود تعارض بین زن و شوهر، داشتن انواع مشکلات در زمینه‌های مالی، جنسی، رفتاری، نرخ پایین تقویت یکدیگر، نبود رضایت و خشنودی از زندگی زناشویی شکایت و انتقاد از یکدیگر و غیره که سرانجام سلامت روانی افراد خانواده را مورد تهدید قرار می‌دهد. ارتباط با همسر جنبه‌ی مرکزی زندگی عاطفی و اجتماعی یک شخص است و نارضایتی زوجین، به توانایی زن و شوهر برای برقراری روابط رضایتمندانه با بچه‌ها و سایر اشخاص خارج از خانواده آسیب می‌رساند. تبیین دیگر این یافته این است که صمیمیت به عنوان توانایی ارتباط با دیگران با حفظ فردیت تعریف می‌شود. این‌گونه تعاریف مبتنی بر خویشتر، حاکی از آن است که فرد به درجه‌ای از نمو فردی دست یابد تا بتواند با دیگران رابطه صمیمانه برقرار کند. صمیمیت را می‌توان به عنوان توانایی "شناخت خود" در حضور دیگران دانست که خودآگاهی و نمو هویت، برای ظرفیت قابلیت شخص در جهت صمیمیت، بسیار ضروری است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین سلامت خانواده اصلی با گرایش به

12-Hosseini Chari M, Fedakar, M. Investigating the effect of university on communication skills based on comparison of students, *Shahed University Bimonthly*, New Volume, 2005; 15, pp. 33-21.

13-Yousefi F. The Relationship of Cognitive Emotion Regulation Strategies with depression and Anxiety in Students of Special Middle Schools for Talented Students in Shiraz. *JOEC*. 2007; 6 (4): 871-892.

14- Karami, F. Evaluation of Meteorological Drought Effects in the Reduction of Ground Watertable (Case study: Tabriz Plain). *Geography and Planning*, 2011; 16(37): 111-131.

15- Sanai, B. Family and Marriage Measurement Scales, Tehran: Besat Publications. 2000.

16-Etemadi, A. Evaluation and comparison of the effectiveness of psycho-educational approach based on cognitive-behavioral and therapeutic communication on intimacy of couples referring to counseling centers in Isfahan. PhD Thesis. Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Teacher Training University. 2005.

17-Khazaei, H. Arbitrator vote in domestic law and international trade, *Law Quarterly*, 2007; 3.

18- Hosseini S, Aghaei N, Elahi A, et al. Studying Tehran Municipality Behavior with regard to Public Sports by Principles of Good Urban Governance. *Scientific Journal Of Organizational Behavior Management in Sport Studies*, 2017; 4(4): 21-36.

19- Rahmani A, Shabanlo A, Akbari S, et al. Degradation of ciprofloxacin Antibiotic by ultrasonic/persulfate in persence of synthesized zero valent zinc nanoparticles. *Journal of Sabzevar University of Medical Sciences*, 2018; 25(1): 21-29.

20- Rezavandi, M, Shokri, E. The effect of life skills training on reducing emotional divorce and effective communication in couples on the verge of divorce, Sixth Congress of the Iranian Psychological Association, Tehran, Iranian Psychological Association. 2017.

21- Amani, A., Letafati Beriss, R. The Effectiveness of Group Training in Communication Skills in Decreasing Marital Conflicts. *Biannual Journal of Applied Counseling*, 2014; 3(2 ,3): 17-36.

مورد مطالعه‌ی آنها انسان بوده است با محدودیت‌هایی روبه‌روست که می‌توان به محدود بودن قدرت تعمیم نتایج اشاره نمود. پیشنهاد می‌گردد فهرستی از تعارضات احتمالی در زندگی زوجین در اختیار مراکز مشاوره ازدواج قرار داده شود و از مشاور در این مراکز خواسته شود با آموزش مهارت‌های حل مسأله و شناسایی حالات روحی و خصوصیات فردی زوجین، آنها را در امر ازدواجی موفق یاری دهند. همچنین، پیشنهاد می‌گردد در مراکز مشاوره قبل از ازدواج علاوه بر آموزش‌های صحیح در رابطه با مسائل جنسی و روابط بین زوجین، روابط تعاملی میان زوجین آموزش داده شود.

References

1-Benkraitis, NV. *Marriages and Families: Changes, Choices, and Constraints*. 7th ed. Prentice Hall, 2015.

2-Edalati A, Redzuan M Perception of women towards family values and their marital satisfaction. *Journal of American Science*, 2017; 6 (4), 7- 132.

3-Waring EM, Chelune, GJ. Marital intimacy and self-disclosure, *Journal of Clinical Psychology*, 2015; 2 (39), 183-190.

4-Monnajemizadeh, A. Investigating the relationship between interpersonal communication skills and social acceptance of students of Payame Noor University of Khorasgan. Thesis. Social Sciences. 2012.

5-Steel L, Kidd, W. *Family Skills Sociology*. Translation: Syedan, Fatemeh, Kamali, A. Al-Zahra University Press. 2013.

6-Patrick S, Sells JN, Giordano FG, et al. Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal*, 2017;15; 359- 367.

7-Van V, Patricia S, Emily, J. *Correctional Counseling and rehabilitation*, * the d. San Francisco. Anderson publishing. 2014.

8-Harmon, D. Black men and marriage: the impact of spirituality·religiosity, and marital commitment on satisfaction. Alabama university of Alabama. 2015.

9-Muraru AA, Turliuc, MM. Family of origin romantic attachment, and marital adjustment: a path analysis model. *Procedia- social and behavioral sciences*. 2012; 33: 90-94.

10-Etemadi O, Bahrami F, Davodi Z. Investigating the effect of solution-oriented approach on reducing the tendency to divorce in men and women prone to divorce in Isfahan, University of Isfahan - Faculty of Psychology and Educational Sciences, 2009.

11- Jerabek, I. Communication skills inventory revised. Body-Mind QueenDom, <http://www.queendom/communic.html>.2004

- 22- Gordon L, Dorana, M. Assesment asan option In J.C. Hansen(Ed.),Divorce Meditation. 1999;66-67.
- 23-Karney BR, Bardbury TN. Neuroticism, marital interaction and the trajectory of marital satisfaction. Journal of Personality and Social Psychology, 2013; 2: 1075–1092.
- 24-Alexander EM, Angela MC, Rachael, LH, et al. Predictors of Intimacy in Couples Discussions of Relationship Injuries: An Observation Study, Journal of Family Psychology, 2014; 22 (1), 21-29.
- 25-Florian V, Hirschberger G, Mikolincer, M. Strivings for romantic intimacy following partner complaint or partner criticism: A terror management perspective, Journal of Social and Personal Relationships, 2015; 20(5), 675-68